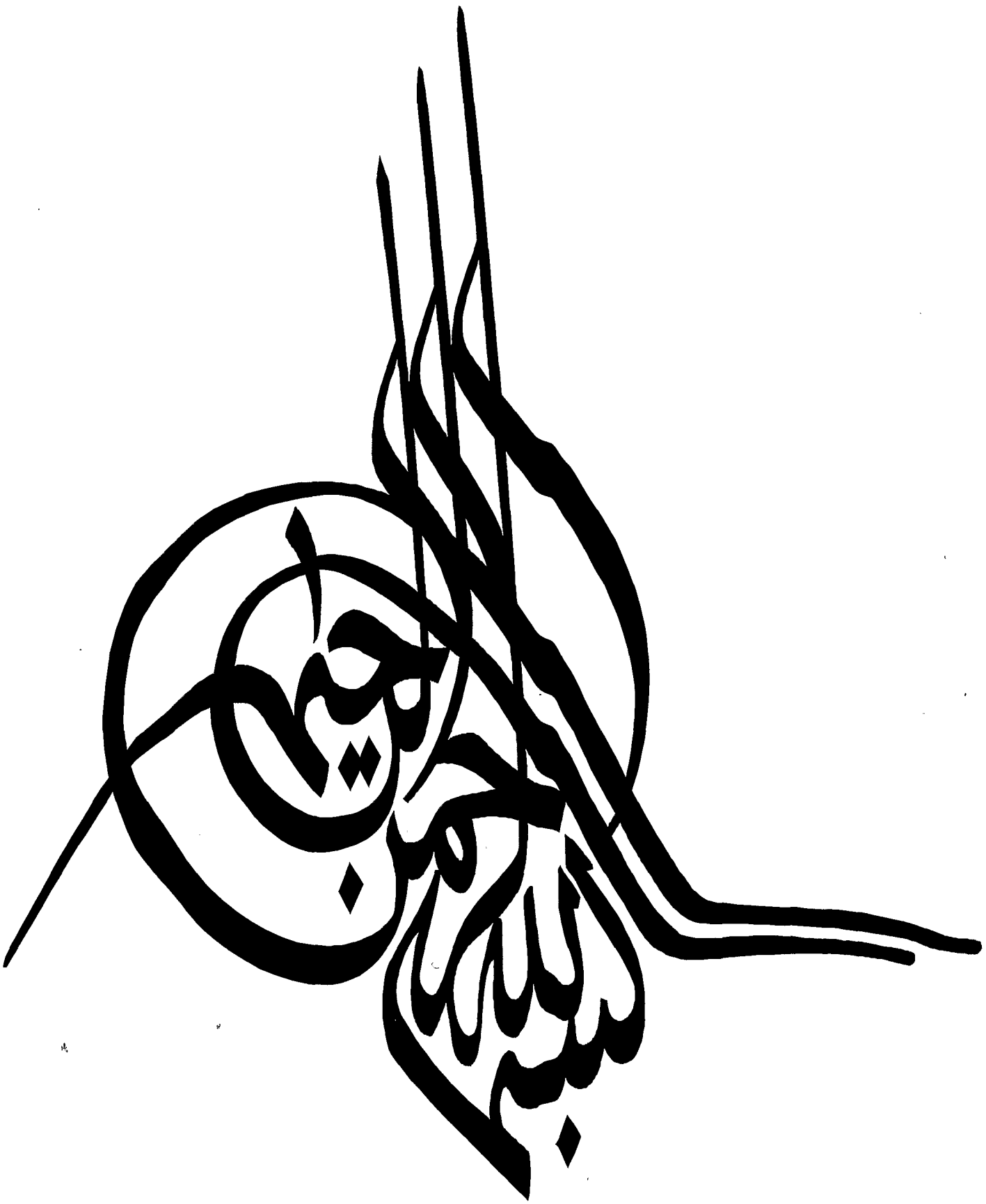

١٢١٢٩٨

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

دانشگاه هنر

دانشکده موسیقی

اجرای پایانی تحصیلی جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته نوازندگی موسیقی ایرانی

بخش عملی : نوازندگی ساز سنتور

(شامل تکنوازی– گروه نوازی – جواب آواز)

استادراهنما:

آقای پشنگ کامکار

بخش نظری : ساخت موسیقی براساس شعر معاصر

(ساخت قطعاتی براساس شعر "وصل" ازاحمد شاملو)

تایید مدارک

استادمشاور:

آقای امیرحسین اسلامی

۱۳۸۸/۵/۱۳

۱۳۸۸/۵/۲۲

دانشجو:

روزبه مطیعا

تیر ۱۳۸۷

ورود به دبیرخانه دانشگاه هنر
شماره ۱۲۷۲۵۵۹
تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۰

۱۲۱۲۹۸

تقدیم به:

پدر ومادر عزیزم که همیشه پشتیبان مـن بوده‌اند.

سپاس فراوان از:

اساتید ارجمندم آقایان پشنگ کامکار وامیرحسین اسلامی

همچنین دوستان عزیزم:

گلنار غراب (ویلنسل)، نوشین پاسدار (عود)، سولماز بدری (آواز)، مونا منوچهری (فلوت)، فرشته اسماعیلی (آواز)، فرهاد اسماعیلی (آواز)، حامی حقیقی (کلارینت)، ارشاد واعظ تهرانی (سازهای کوبه‌ای)، سیاوش کاوه (کمانچه)

ونیز دوست عزیزم جعفر صالحی که زحمت نت‌نویسی کامپیوتری این پایان‌نامه را برعهده داشتند.

همچنین آقای مهران پورمندان برای در اختیار قراردادن مکان تمرین وضبط آثار

« فهرست مطالب »

چکیده مطالب ۱

مقدمه ۲

در مورد شاملو ۳

شعر وصل ۴

توضیحات درمورد قطعات ۸

نگاه کلی ۹

وصل ۱ ..... ۱۱

وصل ۲ ..... ۱۲

وصل ۳ ..... ۱۳

وصل ۴ ..... ۱۴

وصل ۵ ..... ۱۵

منابع ومأخذ ۱۶

پارتیتور قطعات ۱۷

فهرست پارتیتور قطعات ..... صفحه آخر

چکیده مطالب:

بخش نظری:

این بخش شامل ساخت قطعاتی براساس شعر وصل اثر احمد شاملو و ارائه پارتیتور وتوضیحات در مورد آن می‌با شد.

بخش عملی:

این بخش شامل:

تک‌نوازی، گروه‌نوازی وجواب آواز می‌باشد که قسمت‌های این اجرا به شرح زیر می‌باشد:

۱- وصل ۱: (قطعه برای گروه نوازی)

۲- وصل ۲: (ساز وآواز)

۳- وصل ۳: (قطعه برای سازهای سنتور، کمانچه، عود ودمام)

٤- وصل ٤: (تکنوازی سنتور)

٥- وصل ٥: (تصنیف برای گروه)

مقدمه

در مورد تلفیق موسیقی وشعرنو وبطور کلی ساخت آهنگ برروی این نوع شعر آثار کمی درسالیان اخیر دیده می‌شود، (درگلستانه اثر هوشنگ کامکار، چشم براه اثر عطا جنگوک، تصنیف وآواز فریاد از محمدرضا شجریان و...) که البته نسبت به قطعات ساخته شده براساس شعر کلاسیک بسیار اندک است.

شعر نو که حاصل نگرشی جدید در ادبیات است نیازمند موسیقی مناسب وهماهنگ با آن می‌باشد. درک فضا ومحتوای این شعرها که عبارتها و وزن مخصوص به خود را دارد، همچنین تصویری بودن آن‌ها لغات و ترکیب‌های لغوی جدید و موارد دیگر، نگاه متفکرانه ومتفاوتی را درتلفیق شعرنو وموسیقی می‌طلبد.

این راه تازه نیاز به تجربه‌های فراوانی دارد تا به مانند تصانیف وآثار آوازی دیگر بتوان به آثار جاودانه وزیبا دست یافت.

این مجموعه تجربه‌ای در مواجهه به گونه‌های مختلف با شعرنو بوده که قطعاً در ادامه راه وبا توجه به راهکارهای اساتید این فن درآینده به نتایج بهتر ودقیق‌تری خواهد رسید.

در مورد شاملو

احمد شاملو (الف صبح، الف بامداد) درتاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰٤ درخیابان صفی علیشاه درتهران متولد شد. دوره کودکی ونوجوانی را در شهرهای مختلف ایران گذراند ازسال ۱۳۲٤ به حرفه روزنامه نگاری می‌پردازد. او علاوه برشاعری پژوهشگر، محقق، مترجم، قصه‌نویس، گردآورنده فرهنگ مردم کوچه بازار ونویسنده داستان‌های کودکان و... بود. شاملو درسال ۱۳۷۹ دارفانی را بدرود گفت.*

از مجموعه اشعار شاملو می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

هوای تازه، باغ آینه، آیدا در آینه، آیدا، (درخت، خنجر وخاطره)، ققنوس درباران، مرثیه‌های خاک، شکفتن درمه، ابراهیم درآتش، دشنه دردیس

«شاملو (ا. بامداد) در آغاز پنجمین دهه عمر خویش به «آینه درآینه» می‌رسد.

«آیه‌ا درآینه» نشان دهنده عصیان بازگشته شاملوست وهمچنین مبین تسلط تدریجی شاملو به کلمات وترکیبات ومصالح گونه‌گون شاعری است، تا آنجا که به صراحت می‌توان گفت، ضعیف‌ترین شعرهای «آینه درآینه» از قویترین اشعار «باغ آینه» از نظر زبان فارسی (ونه زبان شعری) قوی‌تر به نظر می‌آید.

زبانی که با زبان هیچیک از شعرهای بی‌وزن دیگران قابل مقایسه نیست وگهگاه با کاملترین عبارات متون کهن برابری می‌کند.»**

---

* شاملو، احمد، روزگار غریبی است نازنین: برگزیده‌ای از شعرهای احمد شاملو به انتخاب بهروز صاحب اختیاری- تهران ۱۳۸۱

** حقوقی، محمد، شعر زمان ما، انتشارات نگاه، ۱۳۷٦

شعر وصل

۱

در برابر بی‌کرانی ساکن

جنبش کوچک گلبرگ

به پروانه مانند بود.

زمان با گام شتابناک برخاست

ودر سرگردانی یله شد.

در باغستان خشک

معجزه وصل

بهاری کرد.

سراب عطشان

برکه‌ئی صافی شد.

وگنجشکان دستاموز بوسه

شادی را

درخشکسار باغ

به رقص آوردند

۲

اینک چشمی بی‌دریغ

که فانوس اشکش

شور بختی مردی را که تنها بودم وتاریک

لبخند می‌زند.

آنک منم که سرگردانی‌هایم را همه

تا بدین قله جل جتا

پیموده‌ام.

آنک منم

میخ صلیب از کف دستانت به دندان برکنده

آنک منم

پابرصلیب باژگون نهاده

با قامتی به بلندی فریاد.

۳

در سرزمین حسرت معجزه‌ئی فرود آمد

[و این خود معجزه‌ئی دیگر گونه بود].

فریاد کردم:

«- ای مسافر!

با من از آن زنجیریان بخت که چنان سهمناک دوست می‌داشتم

این مایه ستیزه چرا رفت؟

با ایشان چه می‌بایدم کرد؟»

«– برایشان مگیرا»

چنین گفت وچنین کردم.

لایه تیره فرونشست

آبگیر کدر

صافی شد

وسنگریزه‌های زمزمه

در ژرفای زلال

درخشید

دندان‌های خشم

به لبخندی

زیبا شد.

رنج دیرینه

همه کینه‌هایش را

خندید

پای آبله

درچمنزاران آفتاب

فرود آمدم

بی‌آن که از شب ناآشتی

داغ سیاهی برجگر نهاده باشم.

۴

نه!

هرگز شب را باور نکردم

چرا که

در فراسوهای دهلیزش

به امید دریچه‌ئی

دل بسته بودم.

۵

شکوهی در جانم تنوره می‌کشد

گوئی از پاک‌ترین هوای کوهستان

لبالب

قدحی درکشیده‌ام.

در فرصت میان ستاره‌ها

شلنگ‌انداز

رقص می‌کنم-

دیوانه

به تماشای من بیا!

توضیحات در مورد قطعات

نگاه کلی

ساخت قطعات دراین اثر بـراساس فضا ومحتوای شعر وعبارات وهمچنین خط سیرکلی شعر از ابتدا تا انتها بوده، بطـوریکه دربعضی از قسمتها موسیقی تصویری، حسی وانتزاعی‌تر بوده ودر بعضی قسمتها همراه شعر ودربخش‌هایی بنیابین قرار می‌گیرد.

دراین راستا مصالح موجود مانند فرم قطعات، دانگ‌های مورد استفاده، هارمونی وکنترپوان وسازبندی درارتباط با این نگاه به کار برده شده‌اند.

- فرم کلی آن بصورت اپیزودیک (چند قسمتی) بوده که در هر قسمت با توجه به فضا وحرکت شعر، فرم مورد نظر انتخاب شده وایده شعر برای انتخاب قسمتهای مختلف، مثلاً قطعه جرای گروه، ساز وآواز وتکنوازی نقش داشته است.
- دانگهای مورد نظر تـیز با توجه به فضای شعر انتخاب شده‌اند بعنوان مثال درقسمت اول دودانگ مختص این قسمت ساخته شده است که بتواند ایده مورد نظر را دنبال کند. درقسمت دوم از دانگ‌های موسیقی ایرانی استفاده شده ولی روال ترتیبی آن مطابق با ردیف معـمول درموسیقی ایرانی نمی‌باشد. قسمت سوم بطور کلی در اصفهان «فا» درنظر گرفته شده ولی روال ملودیها وتأکید برنتها به گونه مرسوم در ردیف نمی‌باشد که جا توجه به فضا ومحتوی شعر ملودیها بکار گرفته شده است.
- درقسمت چهارم ود رقسمت پنجم قطعات در ماهورلابمل درنظر گرفته شده است.

- تفکر هارمونی منطبق برهارمونی تنال نمی‌باشد وهارمونی از درون ملودیها بدست آمده است.
- سازها نیز با توجه به نیاز صوتی آن‌ها در ارتباط باشعر وهمچنین تجربه در استفاده از رنگهای صوتی متفاوت آن‌ها در کنار یکدیگر بکار رفته‌اند.

بطور کلی قطعات این مجموعه با توجه حرکت وحس کلی شعر با حالتی انتزاعی شروع شده وبه تدریج دارای فضایی شفاف شده ودر انتها به وضوح کامل می‌رسند.

وصل ۱

دراین قطعه فضای شعر ازابتدا تا انتها درعبارات خاص نقش مهم درشکل گیری آن داشته است. تم‌ها وایده‌های نوشته شده برای سازهای مختلف ارتباط حسی با عبارات وحرکت شعر داشته است. بطور مثال تم ابتدای قطعه برای ویلسنل از حس عبارت (در بی‌کرانی ساکن) وهمچنین حرکت ابتدای شعر الهام گرفته شده است.

در این قطعه از دودانگ زیر استفاده شده است:

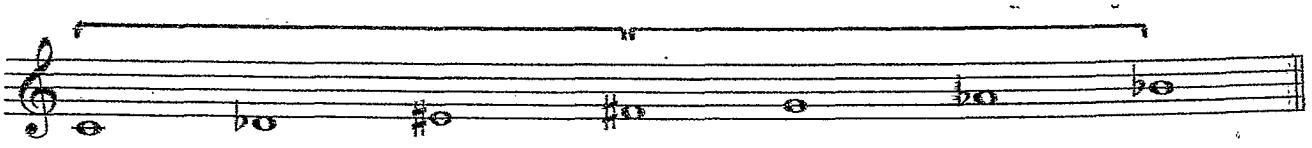

فرم کلی قطعه بصورت A - B بوده که در قسمت A، دانگ اول نقش بیشتری داشته. شروع قطعه‌فضای‌مبهم‌وساکن‌ابتدای‌شعر رابه تصویرکشیده وبه‌تدریج‌ملودی‌هابصورت کنترپوانتیک اضافه شده است این قسمت در میزان نمای $\frac{4}{4}$ بوده با تمپوی سنگین ♩. =۵۴ می‌باشد.

سازهای بکارگرفته شده برای استفاده از رنگهای صوتی متفاوت ونزدیک شدن به فضای شعر مدنظر بوده است.

درقسمت B، دانگ دوم نقش بیشتری داشته وموسیقی مشخص وشفاف‌تری درمیزان نمای $\frac{7}{8}$ بکار رفته است. دراین‌قسمت هارمونی باتوجه به‌حس کلی‌ملودی به‌خدمت‌درآمده است.

وصل ۲

دراین قسمت شعر برای همراهی ساز وآواز بکار رفته وهرتکه یا پاره از این شعر درگوشه خاصی درنظر گرفته شده است.

شروع شعر دردانگ همایون «دو» بوده وسپس با حرکت در گوشه‌های چکاوک، بیات راجه ونیشابورک فرودی موقت به همایون می‌کند ودرآخر با حرکت بالا رونده ملودی به اوج رفته است.

وصل ۳

این قسمت به فرم کلی $A-B-A'$ ودر اصفهان* «فا» می‌باشد. در قسمت A مقدمه کوتاهی برای کل‌سازها نوشته شده که بصورت نتهای کشیده می‌باشد وهارمونی تیره ومبهمی را بدنبال دارد.

درقسمت B قطعه‌ای برای کمانچه، عود ، سنتور به همراه ساز کوبه‌ای نوشته شده که تم اصلی آن براساس ایده پرستشی ابتدا شعر (با من از آن زنجیریان بخت ...) الهام گرفته شده است.

ملودی‌ها بصورت کنترپوانتیک بوده وسازها ایده مورد نظر را دنبال می‌کنند. درقسمت A' قطعه با همان شکل A (اما† با کمی تغییر) دنبال می‌شود وبه تدریج به هارمونی شفاف وروشن‌تری می‌رسد.

---

* درجه ششم تعدیل شده است. (رکرن به ریمل)

† دراجرای این قطعه دربعضی قسمتها تغییرات اکتاوی درساز عود بدلیل حرکت بهتر دست چپ وجود داشته است.

وصل ۴

دراین قسمت تکنوازی سنتور درنظر گرفته شده است. دراین بخش با توجه به ایده شعر (امید) ملو_دی‌هایی درقالب الگوهای ریتمیک مختلف در ماهور لابمل* درنظر گرفته شده است.

*حرکت ملودیها بر_اساس حرکت روی گوشه‌های مختلف ماهور نمی‌باشد.

وصل ۵

دراین قسمت قطعه به اوج خود رسیده، فرم قطعه بصورت تصنیف ودر ماهور لابمل نوشته شده است.

این قطعه در میزان نمای $\frac{12}{8}$ وباتمپویی با سرعت بالا 144 = ♩. می‌باشد.

فضای حرکت ملودی با توجه به شعر بوده و در هر پاره یک ساز ملودی شعر را همراهی می‌کند.

هارمونی بکار رفته درآن تأکید بردرجات اصلی(I و V) دارد. سازها درایجاد رنگهای صوتی بکار گرفته شده‌اند.

ساز سنتور به همراه عود وساز کوبه‌ای هم در ریتم وپایه قطعه نقش داشته وهم درجوابهای ملودی شعر نقش پررنگ‌تری را دارا می‌باشد.